

سخن سردبیر

انسان‌ها پیوسته درصدد آن بوده‌اند تا راه نیل به دانش بیشتر و صحیح‌تر را بیابند و از آن بهره‌مند شوند. این سعی و تلاش انسان در طول تاریخ به تدوین اصولی انجامید که امروزه از آن به Science تعبیر می‌شود. کوشش انسان برای دستیابی به روش کارآمد، به پیدایی روش‌های مختلفی انجامید و در نتیجه شناسایی این روش‌ها و چگونگی به کار بستن آن‌ها در بررسی اشکال گوناگون هستی، خود به رشته‌ای از دانش انسان انجامید که روش‌شناسی (Methodology) نام گرفت. آنچه شناخت انسان امروزی را از انسان گذشته متمایز ساخته است عمدتاً به تغییر پارادایم‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی بازمی‌گردد. به عبارتی اگر به این صورت به مسئله بنگریم که از قدیم‌الایام چیزی برای شناخت وجود داشته (اعم از خود انسان و جهان خارج از او) و قطعاً این انسان بوده که می‌بایست به شناخت نائل شود، لذا آنچه که شناخت انسان را از گذشته تا به امروز متمایز ساخته است، روش شناخت او و نیز نوع نگاه او به مسئله شناخت و موضوع شناخت بوده است. بی‌تردید نقش روش‌شناسی به‌عنوان عامل رابط بین دو عنصر شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی و به‌عنوان آن شاخه‌ای از فلسفه علم که به بررسی تحلیل نقادانه شیوه خاص تطبیق ساختار عام نظریه در قلمروهای مختلف دانش بشری می‌پردازد، حائز اهمیت است. لذا روش‌شناسی به این معنا را باید از روش تحقیق (the Research Method) که در واقع مسیری است که پژوهشگر را تا رسیدن به هدف و اثبات فرضیه یاری می‌دهد و مراحل اجرای یک تحقیق علمی را دربرمی‌گیرد، متمایز دانست.

حال با توجه به اهمیت روش‌شناسی در تاریخ علم در این شماره بر آن شدیم تا ره‌پویه‌های دانش روش‌شناسی را در علوم انسانی کنونی به‌تصویر درآوریم. امروز بیش از آن که توجه ما به روش‌شناسی باشد عمدتاً معطوف گسست یا چرخش‌های معرفتی و تلاش برای بومی‌سازی آن است

درحالی که هر نوع ابتکار در بومی سازی و نظریه پردازی تنها از مسیر مناقشات طولانی در باب روش شناسی است که می تواند ره به سرمنزل مقصود برد. روش شناسی خود پایه نخستین نظریه پردازی (به عنوان فرایند بسط و سازماندهی نظام مند به منظور تبیین پدیده ها) و الگوسازی با توجه به بنیان های معرفت شناسی و پارادایمیک (مدرن علت کاو - پسامدرن معنا کاو و فرایسامدرن تعامل گرا) آن در سطوح مختلف تحلیل (فردی - گروهی - ساختاری - پساساختاری و جهانی) نیز محسوب می شود. لذا بی تردید امروزه روش شناسی، اهمیت ویژه و تعیین کننده ای در رشد و توسعه علوم و جهت دهی به نوع نگاه ما انسان ها به جهان یافته است. امروزه قواعد روش شناسی خصلتی جهانی یافته و هیچ عرصه ای از دانش بشری نیست که بی نیاز از این شاخه از دانش باشد، و پر بی راه نخواهد بود که روش شناسی را زبان مشترک علم معرفی کنیم. اما با این همه با نگاهی کوتاه و انتقادی بر آثار منتشر شده داخلی در این زمینه شاهد وضعیت قابل قبولی چه در حوزه نشر و چه حوزه آموزش دانشگاهی نیستیم. از آنجا که درک تحولات عمیق دانش بدون آگاهی لازم از این حوزه مطالعاتی دشوار می نماید و از آن سو که نتایج آن بر حوزه های مختلف سیاست گذاری غیرقابل انکار است، ضروری است تا بازنگری جدی ای در این زمینه توسط نخبگان فکری و متولیان سیاست گذاری های آموزشی و پژوهشی کشور به عمل آید، به آن امید که شاید بتوان آینده بهتری را برای عرصه های مختلف دانش به ویژه علوم انسانی نوید داد. مجموعه پیش رو تلاشی هر چند مختصر برای بازاندیشی در حوزه روش شناسی علوم انسانی می باشد.

محمد توحید فام

سردبیر